

■ نگاهی به دو کتاب «هامان و غول آسیاب» و «دستمزد پیرزن»

صبور باشیم و دیگران را قضاوت نکنیم

آرنیکا عمادی

نوجوان
کتابخوان



سلام بچه‌ها. در این یادداشت در مورد دو کتاب می‌خواهم بنویسم. دو کتاب با یک نویسنده؛ خانم ناهید رحیمی که خیلی خانم مهربانی است. چون در اینستاگرام مامانم صدای من را گوش کرد و جوابم را داد. اسم کتاب‌ها «هامان و غول آسیاب» و «دستمزد پیرزن» از نشر دکمه است؛ اسم‌شان هم خیلی بامزه است.



شما هم حتما خیلی برای تان پیش آمده که بی صبر باشید؟ مخصوصا برای باز کردن هدیه‌ای. داستان دستمزد پیرزن هم در مورد همین است. پیرزنی که قابله است و برای بچه به دنیا آوردن به اهالی روستا کمک می‌کند، بچه یک دیو را به دنیا می‌آورد. او دستمزدی که می‌گیرد را زودتر از زمانی که دیو گفته بود، باز می‌کند. همین بی‌صبری کار دست پیرزن می‌دهد و سکه‌های زیادی را از دست می‌دهد. من با خواندن این قصه، دیگر یادم می‌ماند که در کارهایم کمی صبر داشته باشم، چون خودم هم گاهی صبرم را از دست می‌دهم و دلم می‌خواهد زودتر کاری را انجام دهم.

در کتاب فارسی مدرسه‌مان در مورد ضرب‌المثل‌ها خواندیم و معلم‌مان خانم نفی به ما در مورد ضرب‌المثل «فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه» توضیح داد. من وقتی کتاب «هامان و غول آسیاب» را خواندم، یاد این ضرب‌المثل افتادم. هامان با این‌که پسری با قد کوتاه و لاغر است و هیچ‌کدام از اهالی شهر روی او حساب نمی‌کنند اما توی شهرشان از همه شجاع‌تر است و داوطلب شد برای نجات دختر پادشاه، در پی پیدا کردن گیاه شفا بخش برود. هامان خیلی شجاعت به خرج داد و با شجاعتش هم به غول آسیاب کمک کرد، هم گیاه شفا بخش را پیدا کرد و دختر پادشاه درمان شد.

خواندن هر دو کتاب برای من نتیجه‌های خوبی داشت؛ من یاد گرفتم صبور باشم، برای کمک کردن به دیگران همیشه داوطلب شوم و کسی را از روی ظاهرش قضاوت نکنم؛ همان‌طور که هامان با این‌که پسری با قد کوچک بود، ولی کار شجاعانه‌ای کرد و جان کسی را نجات داد. هم پیرزن و هم هامان، هر دواز کمک کردن به دیگران دریغی نداشتند.



نگاهی انداخته‌ایم به مراحل شکل‌گیری کتابی ارزشمند به نام «دست‌نوشته‌ها»

عاشقانه‌های سیداحمد ذوالمجد

احسان کرمانشاهانی

محقق



حدود سال ۱۳۹۹ توسط خانواده علامه طباطبایی مطلع شدیم که مجموعه‌ای از یادداشت‌های مربوط به جلسات خصوصی مرحوم علامه، یافت شده است. این مجموعه، یادداشت‌های مرحوم سیداحمد ذوالمجد از این جلسات است. جلساتی که در حدود ۲۰ سال در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی در منزل مرحوم ذوالمجد واقع در شهر تهران برگزار می‌شد. این جلسات معمولاً در شب‌های جمعه و روز جمعه برگزار می‌شده است و حاضران این جلسات افراد مختلفی بوده‌اند، از بعضی دوستان مرحوم ذوالمجد تا گرین فرانسوی، ظاهراً آغاز این جلسات سال‌های پایانی دهه ۳۰ بوده است، ولی یادداشت‌هایی که به دست ما رسیده، متعلق به سال ۱۳۴۲ به بعد است.

معارف به معنای عام

محتوای این جلسات، معارف به معنای عام آن است؛ یعنی در این جلسات علاوه بر پاسخ به پرسش‌های حاضرین از جمله هانری کرین به طرح علوم و معارف فلسفی عرفانی و قرآنی پرداخته شده که البته گاهی مسائل مورد گفت‌وگو مسائلی مقدماتی ابتدایی و فراخور حال مخاطب است. گاهی نیز مباحث فقهی اصولی و تاریخی نیز ذکر گردیده یا در موارد زیادی مطالعات تطبیقی میان ادیان و مذاهب نیز ارائه شده است. در ابتدای بسیاری از این یادداشت‌ها، تاریخ جلسه و بعضاً اسامی افراد حاضر در جلسه نیز ذکر شده است؛ از قبیل مسیو کرین، آقای شهید مطهری، آقای سیدجلال‌الدین آشتیانی، دکتر فرزانه، دکتر سپهبدی، دکتر شایگان، آقای حدادی، آقای هبوطی، آقای خداوردیان، آقای میرمطهری، آقای ابراهیمی دینانی و آقای محمدعلی شناسا.

درصد تنظیم و تجمیع

تفاوت دستخط در این نوشته‌ها از سویی و آمدن عنوان آقای ذوالمجد میان حاضران جلسه در بعضی برگه‌ها از سوی دیگر، این احتمال را برجسته می‌سازد که بعضی از این یادداشت‌ها نوشته خود مرحوم ذوالمجد نباشد. آن‌گونه که از بسیاری از این اوراق روشن می‌شود مرحوم ذوالمجد مانند کثیری از ارباب فضل در آن روزگار خطی زیبا و دلنشین داشته است. بعضی جلسات دو بار نوشته شده و گویی یادداشت آن جلسه مجدداً تنظیم و بازنگری شده است. از اینجا می‌توان حدس زد که آن مرحوم خود در صد تنظیم و تجمیع این مجموعه بوده است.

دشواری در خواندن برخی یادداشت‌ها

متأسفانه این یادداشت‌ها سالها دست به دست شده و بخش‌های قابل‌توجهی از آن مفقود گشته است؛ چه بسیار که ادامه بالبدای یادداشت مربوط به یک جلسه به دست ما نرسیده است. تعدادی از یادداشت‌ها

آب خورده و مخدوش گشته است یا بر اثر بوسیدگی کاغذ، بخشی از آن از بین رفته است. چه بسا یادداشت‌هایی که ناخواناست یا خواندن آن صعب است. قسمتی از این نوشته‌ها یک بار توسط منشی فرزند مرحوم ذوالمجد تایپ شده است. اندوهناک این‌که بخش قابل‌توجهی از اصل این یادداشت‌های تایپ‌شده به دست ما نرسیده است در حالی که منشی محترم نیز علی‌رغم کوشش بسیار، موفق به خواندن بعضی کلمات نگشته است. این امر کار ما را دشوار و اصالت آن را تا حدی مخدوش ساخته است.

حفظ حال و هوای جلسات

لحن گفتاری جلسات که به طور معمول همراه حذف بخش‌هایی از کلام است در کار ما تا حد بسیاری محفوظ مانده است و بخش‌هایی که مخمل به فهم است تا اندازه‌ای اصلاح گشته است. کوشیده‌ایم حال و هوای جلسات که از خلال یادداشت‌ها قابل فهم بوده، محفوظ بماند. ابتدا تمام یادداشت‌ها توسط دوستان عزیز آقایان دکتر حمیدرضا گرامی پور و حجت‌الاسلام علیرضا غلامی در چند موضوع کلی تقسیم‌بندی و کدگذاری شد. سپس تمام این یادداشت‌ها در بازخوانی طاقت‌فرسایی با حجت‌الاسلام حسام یزدی مدون و تایپ شد. این دو مرحله با توجه به سختی‌های مذکور در این کار، زمان بسیاری صرف برای هر یادداشت صرف کرد و با توجه به محور عمده گفت‌وگو در آن عنوانی در نظر گرفته شد. البته بعضی عناوین در اصل یادداشت‌ها ذکر شده بود. سپس با تقسیم‌بندی موضوعی مباحث متوجه شدیم که تمام این مباحث به آسانی در سه موضوع عمده دین عرفان و فلسفه گنجانده می‌شود. این امر ارتباط عمیق این سه حوزه را در اندیشه علامه طباطبایی برجسته می‌سازد. درباره پاورقی‌ها باید گفت عموماً برای رفع ابهام یا توضیح بیشتر کلمه یا جمله‌ای در متن است و برای این منظور سعی شده است به آثار دیگر علامه و مطالب همین کتاب ارجاع داده شود. همین‌طور به جای استفاده از متن عربی آثار علامه از ترجمه آنها استفاده شده است تا از این طریق استفاده از کتاب برای عموم مخاطبان فراهم گردد. همچنین منبع و نشانی آیات، روایات اشعار و نقل قول‌ها، و ترجمه آیات و روایاتی که ترجمه‌شان در متن نیامده، آورده شده است. گاهی نیز از یک جلسه، چند یادداشت متفاوت وجود داشته که به تفاوت آنها اشاره شده است. تعداد کمی از پاورقی‌ها با نشانه و علامت ۱۰ مشخص شده است. این پاورقی‌ها توضیحاتی بوده که در متن یادداشت‌ها از علامه نقل شده است.

عشق به علم و معنویت

این مجموعه حاصل کوشش مستمر مرحوم سیداحمد ذوالمجد و نشانه‌ای از عشق او به علم و معنویت است. لذا برای قدردانی و به رسم یادبود عکس‌هایی از ایشان در پیوست آمده است. همچنین تصاویری از اصل یادداشت‌ها در پیوست قرار داده شده که سختی کار در تنظیم آنها را نمایان می‌کند.

